

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال یازدهم، شماره‌ی چهل‌وسوم، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۹-۱  
(مقاله علمی - پژوهشی)

## رشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی بر پایه‌ی شواهد تاریخی و باستان‌شناسی؛ نقش حکومت، اقتصاد و محیط

سعید امیرحاجلو<sup>۱</sup>

### چکیده

سیرجان یکی از ولایات بزرگ کرمان بود و از سده‌ی ۶ق در قلعه‌سنگ گسترش یافت. اما در سده‌ی ۹ق به تدریج متروک شد. پرسش این است که چه متغیرهایی بر رشد و افول سیرجان در سده‌های میانی اسلامی اثر گذاشته‌اند؟ داده‌های این تحقیق حاصل بررسی منابع تاریخی و کاوش باستان‌شناختی در قلعه‌سنگ است و پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی صورت گرفته است. بر پایه‌ی نتایج، احتمالاً ترک شهر اولیه‌ی سیرجان پیامد هجوم غزها بود و اقدامات ملوک شبانکاره در اواخر سده‌ی ۶ق باعث انتقال آن به قلعه‌سنگ شد. موقعیت سیرجان در شاهراه‌های جنوبی به‌عنوان یک «شهر میانی»، مواد معدنی و منابع زیستی مناسب سبب توسعه‌ی آن به‌ویژه در سایه‌ی حکومت‌های مقتدر قراخانیان و آل مظفر شد. همچنین، شاخصه‌های «مکان، امنیت و راهبرد حاکمان»، سیرجان را به یک مرکز اقتصادی تبدیل کرد. اما اختلافات به وجود آمده در اواخر دوره‌ی آل مظفر، حمله‌ی تیمور و سلطان حسین بایقرا افول و ترک آن را در پی داشت. واژه‌های کلیدی: شهر کهن سیرجان، قلعه‌سنگ، شهر اسلامی، شکل‌گیری و گسترش شهر، افول شهر.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، (s.amirhajloo@modares.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

۱. مقدمه

حیات و زوال شهرهای تاریخی ایران از عوامل مختلف محیطی، اقتصادی و راهبردهای حکومت‌ها متأثر بوده است و در مقاطع تاریخی، یک یا مجموعه‌ای از این عوامل در شکل‌گیری، گسترش و ترک این شهرها نقش داشته‌اند. یکی از این شهرهای تاریخی سیرجان است. سیرجان در سده‌ی ۳ق بزرگ‌ترین شهر کرمان (اصطخری، ۱۳۴۰) و تا سده‌ی ۴ق کرسی ایالت کرمان بود (مقدسی، ۱۳۸۵، ۶۸۲؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸، ۳۱۲). این شهر از صدر اسلام تاکنون در چهار موقعیت جابه‌جا شده است، چنان‌که تا سده‌ی ۶ق در قلعه‌کافر، پس از آن تا سده‌ی ۹ق در قلعه‌سنگ و در سده‌های متأخر در بمید و سعیدآباد توسعه یافت (Amirhajloo & Sedighian, 2020, pp. 16-17) (تصویر ۲). پرسش این است که چه متغیرهایی بر تحولات شهر سیرجان و رشد و افول آن در سده‌های میانی اسلامی اثرگذار بوده‌اند؟ هدف از این مقاله، تبیین نقش عوامل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در توسعه و افول شهر سیرجان و جابه‌جایی‌های آن در سده‌های میانی اسلامی است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

برخی از آثار تاریخی سیرجان نخستین بار توسط گیونز<sup>۱</sup> (۱۳۹۵) شناسایی و در سفرنامه‌ی او معرفی شده‌اند. اما سرپرسی سایکس<sup>۲</sup> (1902) نخستین گزارش علمی درباره‌ی آثار سیرجان را منتشر کرد. او در سفرهای خود در سیستان و کرمان، شرح مشاهدات خود را درباره‌ی فرهنگ و هنر این مناطق نگاشته و توصیفات از قلعه‌سنگ، کتیبه‌ها و آثار حاکم‌نشین آن ارائه کرده است. چند دهه بعد علی‌اکبر سرفراز در بررسی باستان‌شناسی غرب و شمال غرب استان کرمان در سال ۱۳۴۴، به بررسی سیرجان نیز پرداخت (حاتمی، ۱۳۷۴، ۸). او آثار و محوطه‌هایی را از دوران پیش از تاریخ تا اسلامی شناسایی و مستندنگاری کرد. در سال ۱۹۷۰م، ویلیامسون به کاوش در قلعه‌کافر اقدام

1. Gibbons  
2. Sykes

ارشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی برپایه‌ی شواهد تاریخی و ... | ۳

نمود، اما تنها بخشی از نتایج کاوش او توسط آلان و روبرت<sup>۱</sup> انتشار یافت. کاوش‌های ویلیامسون در هفت ترانشه‌ی A تا G به کشف کوره‌ی سفالگری، کانال آبرسانی قنات، حوضچه یا مخزن آب، دیوارها و کف‌های آجری و خشتی و گونه‌های مختلفی از سفال صدر اسلام تا عصر سلجوقی منجر شد (Allan & Roberts, 1987). پس از ویلیامسون، ورجاوند (۱۳۵۱) نتایج بازدید خود از قلعه‌سنگ را در مقاله‌ای منتشر و توضیحاتی درباره‌ی تاریخچه‌ی آن و ارتباط میان منبر سنگی با سکوه‌های آتش پاسارگاد ارائه کرد. در سال ۱۳۵۳ش فهوروی<sup>۲</sup> و بیوار حین کاوش در غبیرا از سیرجان کهن بازدید کرده و سفال‌های غبیرا را مشابه سفالینه‌های سیرجان دانسته‌اند (حاتمی، ۱۳۷۴، ۸-۹). در دهه‌های اخیر، ابوالقاسم حاتمی (۱۳۷۲؛ ۱۳۷۳) به بررسی دشت سیرجان و گمانه‌زنی در شهر قدیم اقدام کرد و نتایج آن را در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود (۱۳۷۴) ارائه نمود. وی در این مطالعه، به تبیین تحولات استقرار در شهر کهن و منظر دشت سیرجان پرداخت. حاتمی نتایج مطالعات خود را در کتاب *سیرجان قدیم، مرکز صنعت و هنر اسلامی* (۱۳۸۰) نیز به چاپ رساند. پس از آن، گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم قلعه‌سنگ به سرپرستی علیدادی سلیمانی (۱۳۸۱) صورت گرفت و خطوط عرصه و حریم این محوطه در قالب نقشه‌ای در اختیار اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان کرمان قرار گرفت. همچنین کاوش باستان‌شناسی در قلعه‌سنگ به سرپرستی امیرحاجلو (۱۳۹۴) به کشف یک کارگاه سنگ‌تراشی در محل منبر سنگی و یک حمام کامل از سده‌ی ۶ تا ۹ق در دامنه‌ی شرقی قلعه‌سنگ منتهی شد. بررسی باستان‌شناسی دشت سیرجان به سرپرستی افضلی (۱۳۹۷) نیز با هدف مطالعه‌ی تحولات تاریخی استقرارها در دشت سیرجان در دوره‌های مختلف صورت گرفت.

### ۳. روش پژوهش

برخی داده‌های پژوهش، حاصل کاوش باستان‌شناسی در قلعه‌سنگ سیرجان و بررسی میدانی در محوطه‌های پیرامون آن در سال ۱۳۹۴ است. داده‌های اسنادی نیز متکی بر

---

1. Allan & Roberts  
2. Fehervari

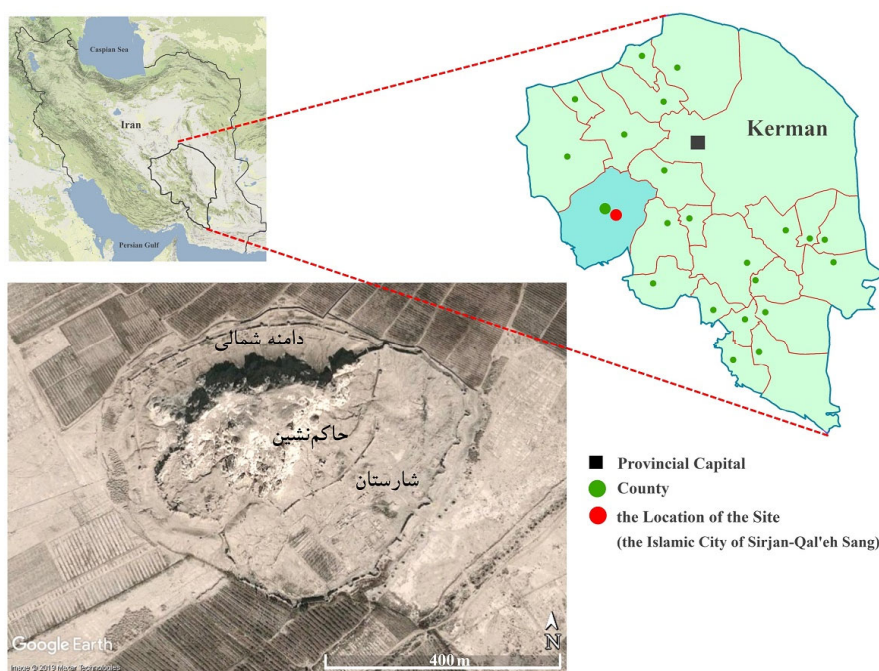
منابع تاریخی و برخی پژوهش‌های علمی در سده‌ی اخیر است. پس از گردآوری داده‌ها، به تحلیل اسناد تاریخی درباره‌ی تحولات شهر سیرجان به شیوه‌ی «تحلیل محتوا» اقدام شده است. سپس نقش عوامل جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی - سیاسی در رشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی تبیین شده است. برای تحلیل عوامل مؤثر بر رشد و افول شهر، از نظریات «توسعه‌ی منطقه‌ای» استفاده شده است. بر این اساس، ابتدا عوامل طبیعی و اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته و با رجوع به نظریه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، برخی از مهم‌ترین اصول و نظریه‌های مرتبط با عوامل فوق از جمله اصل تعادل و تنوع، مفهوم شهر میانی، شاخص‌های مکان و فضا، امنیت، راهبرد حاکمان، حاکمیت مشروع و اختلافات و جنگ‌ها برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

#### ۴. قلمرو پژوهش: شهر کهن سیرجان - محوطه‌ی قلعه‌سنگ

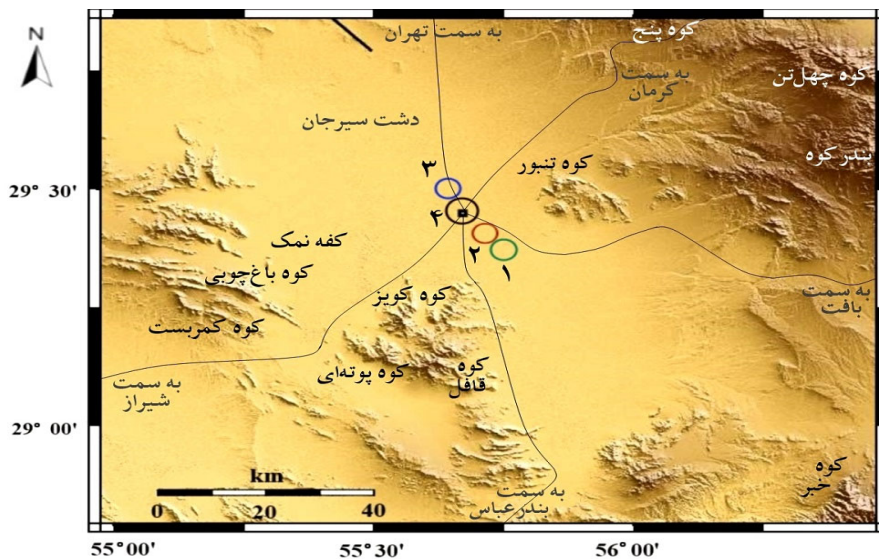
شهرستان سیرجان در غرب استان کرمان، در همسایگی استان‌های فارس و هرمزگان واقع است (تصویر ۱). سیرجان تا سده‌ی ۴ق کرسی، حاکم‌نشین و بزرگ‌ترین شهر کرمان بود (اصطخری، ۱۳۴۰، ۱۶۱-۱۶۶؛ مقدسی، ۱۳۸۵، ۶۸۱). پس از انتقال کرسی به بردسیر (شهر امروزی کرمان) در اواسط سده‌ی ۴ق (لسترنج، ۱۳۸۳، ۳۲۳)، سیرجان اهمیت خود را حفظ کرد. چنان‌که در بسیاری از منابع سده‌های میانی اسلامی، سیرجان یکی از شهرهای آباد و بزرگ کرمان معرفی و رویدادهای مرتبط با آن روایت شده است (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ۴۷-۴۸؛ *صور الاقالیم*، ۱۳۵۳، ۵۵؛ حموی، ۱۹۹۵، ۲۹۵؛ یزدی، ۱۳۳۶، ۵۵۹). بر پایه‌ی نتایج کاوش‌های ویلیامسون و گاهنگاری نسبی سفال‌ها، شهر سیرجان در صدر اسلام در محوطه‌ی قلعه‌کافر در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی سیرجان امروزی شکل گرفت (Morgan & Leatherby, 1987, pp. 23-172). اما برای نخستین بار در سده‌ی ۶ق نام «قلعه‌سنگ» مطرح شده و تا سده‌ی ۹ق، قلعه‌سنگ و شهر سیرجان یک مفهوم داشته‌اند (نک: افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶، ۴۲۶؛ منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ۴۷-۴۸؛ *صور الاقالیم*، ۱۳۵۳، ۵۵). بنابراین، با استناد به منابع تاریخی و گاهنگاری قطعات سفال، شهر سیرجان

ارشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی برپایه‌ی شواهد تاریخی و ... | ۵

از صدر اسلام تا سده‌ی ۶ق در قلعه‌کافر موجودیت داشته و در این سده‌ها در محل قلعه‌سنگ، استقرار شهری وجود نداشته است. تنها در بخش جنوب غربی قلعه‌سنگ، بقایایی از یک سازه‌ی خشتی برجای مانده که با توجه به ابعاد خشت‌ها، شیوه‌ی معماری و نحوه‌ی اتصال آن به باروی بیرونی، به نظر می‌رسد متعلق به قبل از قرن ۶ق بوده و احتمالاً به‌عنوان بنایی نظامی و دفاعی نقش پشتیبانی از شهر سیرجان (قلعه‌کافر) را داشته است. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد از سده‌ی ۶ق، شهر از قلعه‌کافر به قلعه‌سنگ منتقل شده و عناصر شهری در پیرامون سازه‌ی دفاعی پیش‌گفته و به‌ویژه در دامنه‌های شرقی و جنوبی قلعه‌سنگ گسترش یافته‌اند (Amirhajloo & Sedighian, 2020, pp. 16-17) (تصویر ۳).



تصویر ۱. موقعیت شهر کهن سیرجان (نگارنده، ۱۳۹۹)



تصویر ۲. چهار مرحله‌ی جابه‌جایی شهر سیرجان؛ (۱) قلعه کافر، تا سده‌ی ۶ ق؛ (۲) قلعه سنگ، سده‌ی ۶ تا ۹ ق؛ (۳) باغ بمید، سده‌ی ۹ ق تا عصر حاضر؛ (۴) سعیدآباد یا شهرامروزی سیرجان، از عصر قاجار تا کنون (نگارنده، ۱۳۹۹)



تصویر ۳. تقسیم‌بندی فضایی قلعه سنگ؛ تصویر بالا: دید از شرق، تصویر وسط: دید از شمال، تصویر پایین: دید از شمال شرقی (نگارنده، ۱۳۹۹)

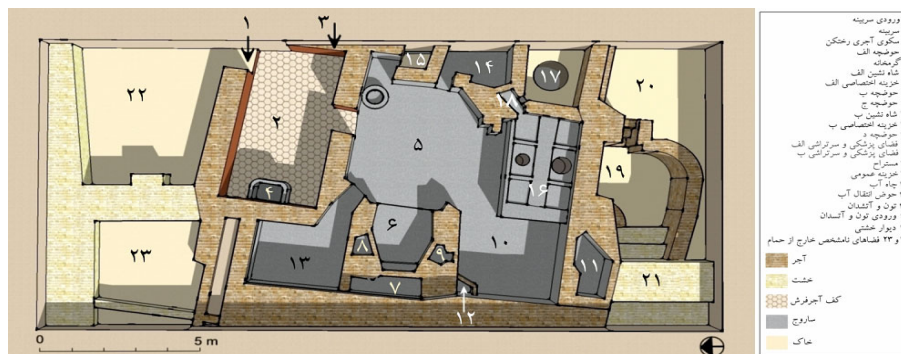
ارشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی برپایه‌ی شواهد تاریخی و ... | ۷

قلعه‌سنگ در هشت کیلومتری جنوب شرقی شهر کنونی سیرجان، در طول شرقی ۳۷۹۶۲۰,۰۰ تا ۳۸۰۴۰۰,۰۰ و عرض شمالی ۳۲۴۹۵۷۰,۰۰ تا ۳۲۴۸۸۹۰,۰۰ واقع است. صخره‌ای از سنگ آهکی به ارتفاع بیش از ۵۰ متر در مرکز قلعه‌سنگ، عارضه‌ای شاخص در دشت سیرجان است. استحکامات نظامی و حاکم‌نشین شهر بر بلندی و دامنه‌های این صخره شکل گرفته و پیرامون آن شارستان، دو بارو، ۴۹ برج و ربض برجای مانده است (تصاویر ۳ و ۴). مساحت حاکم‌نشین و شارستان ۲۷ هکتار است، اما با احتساب ربض، وسعت شهر بیش از این بوده است. در بخش حاکم‌نشین، آثار معماری خشتی و آجری، حوض یا مخزن آب، کانال‌های آبرسانی، پله‌های سنگی و نشانه‌هایی از تسطیح و تراش صخره‌ها مشهود است. شاخص‌ترین اثر باقیمانده در قلعه‌سنگ، منبری سنگی با کتیبه‌ای از سلطان عمادالدین احمد آل مظفر و تاریخ ۷۸۹ ق است.



تصویر ۴. اسلایدهای سرپرسی سایکس از قلعه‌سنگ در ۱۹۰۲ میلادی، راست: دامنه‌ی شمالی؛

چپ: دامنه‌ی جنوب شرقی (research.britishmuseum.org)



تصویر ۵. حمام کاوش‌شده در قلعه‌سنگ (طراحی از نگارنده، ۱۳۹۹)

کاوش باستان‌شناسی در قلعه‌سنگ در سال ۱۳۹۴ ش به کشف یک حمام در دامنه‌ی شرقی، یک کارگاه سنگ‌تراشی در دامنه‌ی شمالی و مواد فرهنگی متنوعی شامل سفال، مهره، سکه، شیشه و قطعات فلزی منجر شده است (امیرحاجلو، ۱۳۹۴). حمام نوبافته در قلعه‌سنگ با ۱۸۰ مترمربع وسعت، نمونه‌ای از یک حمام کامل در شهرهای دوران اسلامی است (تصویر ۵). قرارگیری فضاهای سرتراشی و نوره‌کش‌خانه در گرمخانه‌ی حمام، نشانگر الگوی حمام‌های قبل از صفوی است. زیرا از دوره‌ی صفوی این فضاها به جای گرمخانه، در میان در ساخته می‌شدند (همان). وجود سفال‌های قالب‌زده، اسگرافیتو، لعابدار تکرنگ با خمیره‌ی شبه‌چینی، سلادن، زرین‌فام و نقاشی زیر لعاب شفاف نیز نشانگر سکونت در این محوطه تا سده‌ی ۹ ق است (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹، ۱۵۵-۱۸۰). (تصویر ۶).



تصویر ۶. برخی از سفال‌های حاصل از کاوش در قلعه‌سنگ (نگارنده، ۱۳۹۹)

جدول ۱. مشخصات برخی نمونه‌های شاخص سفال قلعه‌سنگ (نگارنده، ۱۳۹۹)

گونه اصلی سفال	گونه فرعی سفال	شماره قطعات در تصویر	گاهنگاری	محل مقایسه	منبع مقایسه
بدون لعاب	خمیره نخودی با نقش ترکیبی افزوده، کنده و فشاری ابزاری	۱، ۳، ۵، ۶، ۸	سده ۵ تا ۷ ق	غبیرا کرمان	p. 442, Bivar, 2000, N: b71-68
	قالبی و استامپی	۲، ۴، ۷	سده ۵ تا ۷ ق	جیرفت غبیرا نیشابور	چوبک، ۱۳۹۱، ۸۹ Bivar, 2000, p. 444 Wilkinson, 1973, pp. 356-357
لعابدار تکرنگ	سلادن با خمیره چینی سفید مایل به خاکستری و تزیین کنده، استامپی، قالبی یا خیاره‌ای	۱۰	دوره یوان (سده ۸ ق)	چین (Longquan Ware) شهر حریره کیش میناب	Barnes et al., 2010, p. 336 موسوی، ۱۳۷۶، ۲۳۲ Morgan, 1991, p. 73 - 77
لعابدار چندرنگ نقاشی زیرلعاب	نقاشی زیرلعاب با خمیره رسی	۹، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱	سده ۷ تا ۹ ق	غبیرا ری المتاف رأس‌الخیمه جنوب ایران مالین باخرز ذلف‌آباد فراهان	Bivar, 2000, p. 417-420 Treptow, 2007, p. 38 Kennet, 2004, p. 58, 142 Priestman, 2013, p. 624, 702 خدادوست و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۶۶ نعمتی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۳۱-۱۳۰
	زمینه سفید و خمیره شبه‌چینی و تزیین دو رنگ لاجوردی سیاه یا لاجوردی سبز	۱۲، ۱۵، ۱۶	سده ۶ و ۷ ق	کاشان ری	پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ج ۴، ۱۸۳۹ - ۱۸۴۰ و ج ۹، ۷۳۴ - ۷۳۵ Watson, 2004, pp. 333 & 339
لعابدار چندرنگ نقاشی روی لعاب	زرین‌فام با خمیره شبه‌چینی	۱۳	سده ۶ و ۷ ق	جیرفت کاشان جرجان حاشیه‌ی خلیج فارس غبیرا	چوبک، ۱۳۹۱، ۹۴ واتسون، ۱۳۸۲، ۴۸ / Bahrami, 1988, p. 81 Kiani, 1984, p. 49 Mason, 2004, p. 123 Priestman, 2013, p. 700 Bivar, 2000, pp. 413 - 415

## ۵. چهارچوب نظری

توسعه‌ی منطقه‌ای از نظر اقتصادی به معنای «ظرفیت یک منطقه برای گسترش فیزیکی، تولید و توزیع و فروش کالاها و خدمات و همچنین، ظرفیت ساکنان آن منطقه برای کسب درآمد و گسترش است» (Poiese, 1999). اما این مفهوم، تنها با بُعد اقتصادی سروکار ندارد و همه‌ی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی را نیز در بر می‌گیرد. بدین ترتیب، گسترش سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و توسعه‌ی پایدار مبتنی بر محیط زیست نیز در بطن مفهوم توسعه‌ی منطقه‌ای وجود دارد (Pike et al., 2017, p. 1). بنابراین، در بسیاری از پژوهش‌ها، متغیرهای محیطی و انسانی به‌عنوان عوامل مؤثر بر رشد و افول سکونتگاه‌ها مورد توجه بوده و این سکونتگاه‌ها در دو مقیاس «برون سکونتگاهی (کلان) - درون سکونتگاهی (خرد)» مطالعه شده‌اند. بر این اساس، محیط طبیعی و برهم‌کنش آن با فعالیت‌های بشر بیشترین نقش را در شکل‌گیری، رشد و ترک استقرارهای انسانی داشته است (Rapp & Hill, 1998, p. 86). برای نمونه، کنت وات<sup>۱</sup> نقش پنج عامل ماده، انرژی، تنوع، فضا و زمان را در فرآیند پیدایش، رشد و ترک سکونتگاه‌ها برشمرده است (وات، ۱۳۹۳). اما برخی پژوهشگران دیگر، نقش عوامل انسانی مانند مذهب، فرهنگ و سیاست را در تحولات سکونتگاه‌ها مورد توجه قرار داده‌اند. از نظر کلارک، مؤلفه‌های قدرت و موقعیت اجتماعی افراد اهمیت بیشتری در شکل‌گیری سازمان فضایی شهرها و سکونتگاه‌ها داشته است (Clarke, 1977). دسته‌ی دیگری از پژوهشگران، نقش عوامل محیطی و انسانی را به‌طور هم‌زمان مطالعه می‌کنند. به باور اینان، سه مؤلفه‌ی محیطی، اقتصادی و اجتماعی بر رشد و توسعه‌ی شهرها اثرگذارند. در بُعد محیطی، مسئله‌ی سرمایه‌ی طبیعی، در بُعد اقتصادی سرمایه‌ی فیزیکی و در بُعد اجتماعی، سرمایه‌های انسانی مدنظر قرار می‌گیرند (ایدر و حکیمی‌نیا، ۱۳۹۸، ۹۵).

بر پایه‌ی رویکردهای فوق، چهارچوب نظری مقاله‌ی حاضر بر نقش عوامل «طبیعی و اکولوژیکی»، «اقتصادی» و «اجتماعی - سیاسی» در تحولات شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی استوار است. در مطالعه‌ی نقش عوامل طبیعی و اکولوژیکی، صورت‌بندی

---

1. Watt, Kenneth E. F.

رشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی برپایه‌ی شواهد تاریخی و ... | ۱۱

پژوهش معطوف به اصول اکولوژیکی «تنوع و تعادل» است. بر این اساس تنوع جغرافیایی، تنوع منابع زیستی و تنوع مواد معدنی در ناحیه‌ی سیرجان مورد مطالعه قرار گرفته و نقش سیرجان به‌عنوان یک «شهر میانی» در ایجاد تعادل میان شهرهای جنوب ایران بررسی شده است. نقش اقتصاد نیز بر پایه‌ی تئوری‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، با بررسی سه شاخص «مکان و فضا»، «امنیت» و «راهبرد حاکمان» تبیین شده است. بررسی و تبیین نقش عوامل اجتماعی - سیاسی نیز بر پایه‌ی شاخص‌های «حاکمیت مقتدر و مشروع» و «اختلافات و جنگ‌ها» ارزیابی شده است.

#### ۶. بحث و تحلیل

##### ۶-۱. متغیرهای طبیعی و اکولوژیکی

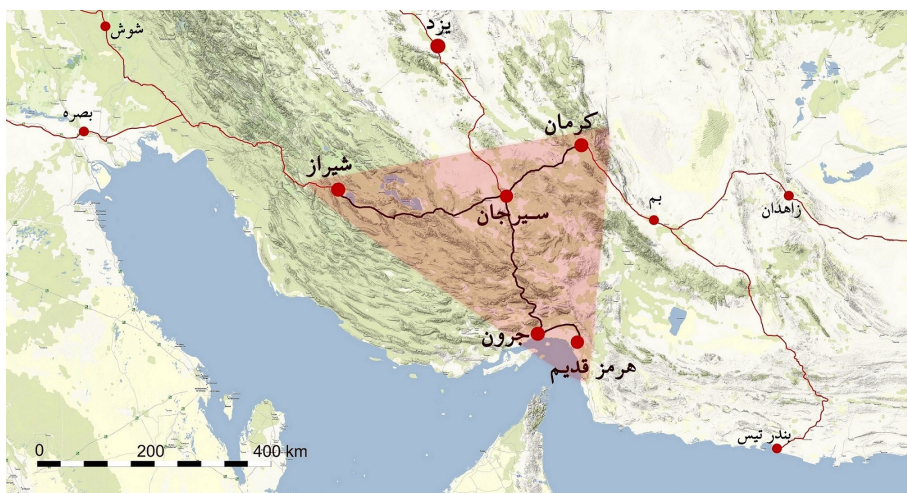
در تبیین علل توسعه‌ی شهرها، اصول یا مفاهیم اکولوژیکی و جغرافیایی «تنوع» و «تعادل» اهمیت دارند. اصل تنوع با قابلیت‌های طبیعی و اکولوژیکی منطقه ارتباط دارد (جمعه‌پور، ۱۳۹۲، ۱۱۸). سیرجان نیز از تنوع اقلیمی، جغرافیایی و تنوع مواد و منابع برخوردار بوده است. توپوگرافی سیرجان نشانگر دو وضعیت کوهستانی و دشت است و سکونتگاه‌های آن در بازه‌ی ارتفاعی ۱۵۸۱ متر تا ۳۲۰۰ متر از سطح دریا شکل گرفته‌اند (فاضل‌نیا و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۱۵). این تفاوت ارتفاع، تفاوت دمای بیش از ۱۵ درجه‌ای را میان نواحی کوهستانی و فروافتاده دشت پدید می‌آورد. شکل‌گیری شیوه‌های معیشت بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری و دامداری، تابعی از ارتفاع است و در سیرجان نیز این سه شیوه‌ی معیشت رونق داشته است. به گفته‌ی مقدسی، سیرجان دارای میوه‌های متضاد [سردسیری و گرمسیری]، خیرات بسیار و نرخ‌های ارزان و باغات فراوان بود (۱۳۸۵، ۶۸۶). همچنین در سده‌ی ۷ق، سیرجان دارای «بساتین و عیون انهار، آب شیرین، هوای دلکش و دلگشا، زمین دلنشین و فرحت‌افزا، حلویات و نیشکر و خرما‌ی فراوان» بوده و از آنجا «کَمون (زیره)» به سایر سرزمین‌ها می‌بردند (قزوینی، ۱۳۷۱، ۲۶۳). مستوفی نیز سیرجان را به‌عنوان مرکز تولید برخی محصولات کشاورزی و باغی مانند غلات و خرما معرفی کرده است (۱۳۸۱، ۲۰۱). بنابراین، همان‌گونه که در بسیاری از شهرها عناصر کوهپایه و دشت

در خدمت جوامع بوده و مدیریت شهر و زندگی اجتماعی تحت تأثیر این دو عنصر و اقتصاد دامپروری و کشاورزی قرار داشته است، سیرجان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و توسعه‌ی آن، پیامد چنین بستری است.

افزون بر اینها، همان‌گونه که امروزه سیرجان با معادن غنی شناخته می‌شود، در گذشته نیز کانسارها و ذخایر معدنی نقش مهمی در توسعه‌ی سیرجان داشته است. چنان‌که این شهر، به دلیل داشتن معادن و قنوت بسیار به نام سیرکان یا سیرجان شناخته شده بود (حاتمی، ۱۳۷۴، ۱۴). در بررسی‌های باستان‌شناسی، معادن تاریخی مس با وسعت زیاد (Pleiner, 1967, p. 374) و شواهد استخراج روی در سیرجان شناسایی شده که دست کم ۶۰۰ سال قدمت دارد (Wertime, 1967, p. 335). همچنین، توده‌های معدنی و ابزارهای کهن معدن‌کاوی از جمله چکش یا کلنگی آهنی در معدن مس چاه‌گز در نزدیکی سیرجان یافت شده است (ibid). در نواحی همجوار با دشت سیرجان از جمله در مجموعه کوهستان پاریز تا چهل‌تن و از جمله کوه پنج و چهل‌تن در مرز شهرستان بردسیر با سیرجان در ۶۰ تا ۸۰ کیلومتری شمال شرقی قلعه‌سنگ، شواهد ۲۷ معدن و محوطه‌ی ذوب فلز از دوران اسلامی وجود دارد (خسروزاده، ۱۳۸۸، ۲۳-۲۵). در منابع به وجود معدن فیروزه نیز در قصبه‌ی سیاوک در نزدیکی شهر بابک در شمال غربی سیرجان اشاره شده است (زاوش، ۱۳۴۸، ۱۹۹). در جنوب و جنوب غربی سیرجان نیز ذخایر مواد معدنی وجود دارد. معادن گُل‌گهر سیرجان در فاصله‌ی ۵۰ کیلومتری جنوب غربی قلعه‌سنگ از جمله این ذخایر معدنی است. بنابراین، بر پایه‌ی منابع تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی به نظر می‌رسد سیرجان و نواحی پیرامون آن از نظر معدن‌کاوی و معدنکاری کهن دارای اهمیت بوده است. مفهوم تعادل نیز از مفاهیم کلیدی در توسعه‌ی منطقه‌ای و به معنای تعادل اکوسیستم‌های طبیعی، تعادل در رابطه‌ی انسان و محیط و تعادل در تمام جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی است (جمعه‌پور، ۱۳۹۲، ۱۲۰). تعادل، بهره‌وری منابع و فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد و نقش هر جامعه و سرزمین در توسعه را بر اساس جایگاه و مرتبه‌اش تعریف می‌کند (همان، ۱۲۱). تعادل میان نواحی با توسعه‌ی «شهرهای میانی» رخ می‌دهد (همان، ۱۱۴). مفهوم «شهر میانی» به دو وجه «عملکردی» و «فضایی» شهر اشاره دارد و یک شهر می‌تواند از

ارشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی برپایه‌ی شواهد تاریخی و ... | ۱۳

نظر عملکردی یا مکانی، یک شهر میانی باشد. سیرجان نیز در سلسله‌مراتب عملکردی و مکانی، یک شهر میانی بود و واسطه‌ی بازرگانی و چهارراه تبادل کالا در میانه‌ی مثلث کرمان - فارس - هرمزگان محسوب می‌شد (نقشه‌ی ۱).



نقشه‌ی ۱. شاهراه‌های «خلیج فارس - مرکز ایران» و «سند و سیستان - غرب ایران» و موقعیت سیرجان به‌عنوان شهری میانی (نگارنده، ۱۳۹۹)

افزون بر موارد فوق، مکان‌گزینی شهر سیرجان در سده‌های میانی در قلعه‌سنگ تحت تأثیر یک پدیده‌ی زمین‌شناسی یا صخره‌ی طبیعی مرتفع بود. صخره‌ی مرتفع مرکز شهر سیرجان، بستری برای شکل‌گیری ساختارهای حاکم‌نشین و تفکیک آن از شارستان یا عامه‌نشین بود. چنین الگویی در شهرهای دیگر ایران از جمله فیروزآباد و شهر تاریخی بم (ارگ بم) نیز وجود داشت و حاکم‌نشین یا کهندژ در این شهرهای تاریخی نیز بر فراز بلندی مرکز شهر شکل گرفته بود. احتمالاً یکی از دلایل انتقال شهر از قلعه‌کافر به قلعه‌سنگ در سده‌ی ۶ق، وجود مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در صخره‌ی مرتفع مرکز قلعه‌سنگ و کاستن از آسیب‌های تهاجم بیگانگان و تفکیک فضایی حاکم‌نشین و عامه‌نشین بود. در حالی که شهر صدر اسلامی سیرجان در قلعه‌کافر، از این ویژگی محروم بود و در چشم‌اندازی مسطح شکل گرفته بود. این شهر در قلعه‌سنگ، از چنان استحکام و عظمتی

برخوردار شد که در ماجرای سوء قصد به جان ترکان خاتون (وفات: ۶۸۲ق)، او و همراهانش به قلعه‌سنگ پناهنده شدند (تاریخ شاهی قراختاییان، ۲۵۳۵، پنجاه و پنج). همچنین در واقعه‌ی حمله‌ی شیخ ابواسحاق اینجو (وفات: ۷۵۸ق) به نواحی کرمان و تاراج محلات سیرجان در ۷۴۵ق، پس از آنکه مردم به قلعه‌سنگ روی آوردند، ابواسحاق و لشکرش نتوانستند به روش‌های نظامی وارد قلعه شوند و از فتح آن ناامید شدند (سمرقندی، ۱۳۷۲، ۲۳۱). در واقعه‌ی هجوم تیمور (حکومت: ۸۰۷-۷۷۱ق) به سیرجان نیز قلعه‌نشینان دو سال مقاومت کردند و غلبه‌ی نظامی میسر نشد. اما در نهایت با قرارداد صلح تسلیم نیروهای تیمور شدند (یزدی، ۱۳۳۶، ۵۵۹).

#### ۲-۶. متغیرهای اقتصادی

تأثیر عوامل اقتصادی بر رشد و توسعه‌ی سیرجان در سده‌های میانی را می‌توان بر پایه‌ی سه شاخصه‌ی «مکان و فضا»، «امنیت» و «راهبردهای اقتصادی حاکمان» ارزیابی کرد. سیرجان در مسیر دو شاهراه مهم شمالی - جنوبی و شرقی - غربی ایران قرار داشت. شاهراه نخست از خلیج فارس تا مرکز ایران ادامه داشت و بازرگانی خارجی از طریق این شاهراه صورت می‌گرفت. شاهراه دوم، از دره‌ی سند و سیستان به کرمان و سپس سیرجان می‌رسید و از سیرجان تا فارس، جنوب غرب و غرب ایران، بین‌النهرین و مکه تداوم می‌یافت. سیرجان محل تلاقی دو شاهراه فوق بود و چهارراه دادوستد سرزمین‌های شرق و غرب و مناطق شمال و جنوب محسوب می‌شد. چنان‌که از سده‌ی ۴ق مسکن بازرگانان و بارگاه (بارانداز) فارس بود (حدود العالم، ۱۴۲۳، ۱۴۱) و اهمیت اقتصادی این شهر به دلیل همین موقعیت راهبردی، تا سده‌های بعد نیز تداوم یافت. افزون بر این، با ناامنی‌های اواخر سده‌ی ۶ق در شهرهای جنوبی کرمان و افول شاهراه جیرفت (امیرحاجلو، ۱۳۹۳، ۱۹۰)، اهمیت شاهراه سیرجان بیش از پیش شد. بازرگانان به جای مسیر هرمز - جیرفت، تردد در مسیرهای امن‌تر را ترجیح دادند (عباسی و امیری، ۱۳۹۰، ۳۱۲) و شاهراه تجاری سیرجان یکی از این مسیرهای امن بازرگانی بود. اهمیت سیرجان در فاصله‌ی فارس و کرمان و خلیج فارس به حدی بود که ادیسی در سده‌های میانی، سیرجان را بزرگ‌ترین

رشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی برپایه‌ی شواهد تاریخی و ... | ۱۵

شهر کرمان، مرکز سکونت والیان و عمال حکومتی، دارای بازارهای شلوغ، ثروت زیاد و تجارت پررونق معرفی کرده و مردمانش را به دلیل تعهد در معامله ستوده است (۱۴۰۹، ۴۳۳). این شهر به دلیل رونق و اهمیت اقتصادی در سده‌ی ۷ق، همچنان بزرگ‌ترین شهر ایالت کرمان (حموی، ۱۹۹۵، ۲۹۵) و پررونق‌تر از شیراز بود (قزوینی، ۱۳۷۱، ۲۶۳). سیرجان یکی از ضرابخانه‌های جنوب ایران بود و این مسئله، اهمیت آن را در سده‌ی ۸ق نشان می‌دهد، زیرا فقط مراکز حکومتی و شهرهای بزرگ دارای ضرابخانه بودند (حاتمی، ۱۳۷۴، ۵۰-۵۱).

افزون بر این، شهرهای ایالت کرمان در برخی ادوار سطح بالایی از امنیت را تجربه کردند. در اندیشه‌ی حاکمان ایرانی، «ایجاد امنیت» یکی از ارکان کسب مشروعیت بود (خسرویگی و صادقی‌فرد، ۱۳۹۷، ۴۲). امنیت ولایات کرمان نیز بیش از هر زمانی، در دوره‌ی قراخانیان و آل مظفر رقم خورد. در دوره‌ی حکومت طولانی ترکان خاتون، امنیت زیادی در ایالت کرمان ایجاد و شرایط برای رشد اقتصادی هموارتر از قبل شد (عباسی و امیری، ۱۳۹۰، ۳۰۵). ترکان خاتون به اقتضای هوشمندی سیاسی و درک شرایط زمانی و مکانی، با ایجاد امنیت، برنامه‌های اقتصادی مهمی را اجرا کرد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۹، ۱). این امنیت، سبب توجه تاجران به موقعیت ممتاز اقتصادی این ناحیه شد (همان، ۱۰). در این دوره، تجارت میان کرمان، فارس و شوشتر برقرار بود و کاروان‌های تجاری از راه سیرجان به مکران تردد می‌کردند (همان، ۱۱).

در سده‌ی ۸ق نیز به دلیل شرایط خاص اجتماعی، برقراری امنیت از بنیان‌های مشروعیت‌بخش به حکومت آل مظفر بود. مردم به دلیل نیاز به امنیت و عدالت، در برابر حاکمان مظفری به‌ویژه امیر مبارزالدین محمد (حکومت: ۷۵۹-۷۱۸ق) و شاه‌شجاع (۷۸۶-۷۵۹ق) اظهار اطاعت می‌کردند و قدرت آنها را مشروع می‌دانستند. بر این اساس، برقراری امنیت و نظم در یزد، فارس و کرمان، نقطه‌ی آغازین قدرت‌گیری آل مظفر بود. آنها امنیت راه‌های تجاری در نیمه‌ی جنوبی ایران را با سرکوب مهاجمان نکودری و اوغان و جرمان بهبود بخشیدند و تجارت در زمان آنها گسترش یافت (خسرویگی و صادقی‌فرد، ۱۳۹۷، ۴۳).

راهبردهای اقتصادی حاکمان سده‌های میانی نیز در توسعه سیرجان بی‌تأثیر نبود. سیرجان از زمان قطب‌الدین مبارز اول در اواخر سده‌ی ۶ق، به قلمرو شبانکارگان فارس افزوده شد (نطنزی، ۱۳۸۳، ۸) و حکام قراختائی، طمع زیادی به تصرف سیرجان داشتند تا اینکه ترکان خاتون بر سیرجان مسلط شد (تاریخ شاهی...، ۲۵۳۵، ۱۹۲). مهم‌ترین دلیل گرایش حکام قراختائی به تصرف سیرجان، وجود ذخایر و نفایس، انواع کالاها و منافع فراوان در این شهر بود (همان، ۱۹۱). ترکان خاتون به اهمیت تجارت واقف بود و اقدامات عمرانی او سبب رونق فعالیت‌های بازرگانی شد. یکی از نتایج این امر، رونق استخراج معادن در ولایات کرمان بود (چمنکار و صدیقی، ۱۳۹۱، ۲۶).

پيامد عوامل فوق، توسعه سیرجان در سده‌های میانی و تبدیل آن به مرکز تبادل مواد فرهنگی بود. این تبادل مواد فرهنگی، در داده‌های باستان‌شناسی نیز مشهود است. قطعات سفال قلعه‌سنگ با نمونه‌های سفال مناطقی مانند کاشان، ری، فراهان، جرجان، نیشابور، آذربایجان، رأس‌الخیمه امارات، افغانستان و چین بسیار شباهت دارد (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹). این داده‌ها نیز نشانگر تعاملات اقتصادی و فرهنگی سیرجان و اهمیت این شهر در یک شبکه‌ی بازرگانی دوربرد هستند.

### ۳-۶. متغیرهای اجتماعی و سیاسی

در مطالعه‌ی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر تحولات سیرجان، نقش دو عامل «حاکمان مقتدر و مشروع» و «اختلافات و جنگ‌ها» قابل توجه است. احتمالاً یکی از دلایل ترک قلعه‌کافر و جابه‌جایی شهر به قلعه‌سنگ در سده‌ی ۶ق، حمله‌ی غزها بود. غزها در عهد تورانشاه دوم به ناحیه‌ی کرمان حمله کردند و خرابی‌های بسیاری به بار آوردند. آنها شهر اولیه‌ی سیرجان را «ویران و بیاب کردند» (منشی کرمانی، ۱۳۲۸، ۱۸). گاهنگاری سفالینه‌های قلعه‌کافر نیز نشان می‌دهد تاریخ آنها متأخرتر از سده‌ی ۶ق نیست (Morgan & Leatherby, p. 1987).

در اواخر قرن ۷ق، شهر سیرجان که به قلعه‌سنگ منتقل شده بود، به همراه برخی شهرهای دیگر، به تصرف قطب‌الدین مبارز شبانکاره درآمد (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳، ۱۵۸). به نظر می‌رسد تسلط ملوک شبانکاره (۴۴۸-۷۵۶ق) بر سیرجان، دلیل دیگر توسعه‌ی شهر در قلعه‌سنگ بود. ترکان خاتون در اواسط سده‌ی ۷ق، در یکی از اردوهای خود با برخی از شبانکارگان به مناظره نشستند و «عرضه داشت که سیرجان از اعمال کرمان است و ملوک شبانکاره به تغلب و تعدی در تصرف گرفته‌اند... اهالی شبانکاره در جواب گفتند سیرجان قلعه‌ای خراب بود، ما آنرا عمارت کرده‌ایم و طایفات، سایحه گردانیده‌ایم» (تاریخ شاهی...، ۲۵۳۵، ۱۹۲). بر اساس این روایت، سیرجان قبل از تسلط شبانکارگان ویران بوده و عمارت و آبادانی آن در زمان ملوک شبانکاره رخ داده است. در جای دیگر آمده که «قوم شبانکاره در جواب می‌گفتند پنجاه سال است که ما در این قلعه مقام داریم» (همان، ۲۷۶). بنابراین، شبانکارگان دست‌کم از اواخر سده‌ی ۶ق در سیرجان حاکمیت داشته‌اند و بعد از پنجاه سال، ترکان خاتون توانست بر آن مسلط شود. این تاریخ، زمانی است که شهر سیرجان در قلعه‌سنگ شکل گرفت. بنابراین، آغاز توسعه‌ی سیرجان در قلعه‌سنگ را می‌توان با تسلط شبانکارگان بر آن مرتبط دانست. ترکان خاتون قراختائی پس از تصرف سیرجان، حاکمیت شهر را به ظهیرالدین محمود واگذار کرد و او در آنجا عمارت‌های بسیاری ساخت و اموال فراوانی به دست آورد (همان، ۲۷۹).

توسعه‌ی سیرجان در قلعه‌سنگ پس از قراختائیان و در زمان آل مظفر نیز تداوم یافت. مظفریان به هنر و معماری علاقه‌مند بودند و در دوره‌ی ایشان، معماری و فعالیت‌های عمرانی توسعه یافت (سرآبادانی تفرشی، ۱۳۸۹، ۷۲) و مساجد و بناهای زیادی در نواحی کرمان و فارس به دستور ایشان ساخته شد (کتبی، ۱۳۶۴، ۶۶). آنها برای جلب رضایت مردم و کسب مشروعیت، دغدغه‌ی عمران و آبادانی و اجرای عدل را داشتند (خسرویگی و صادقی‌فرد، ۱۳۹۷، ۴۴). برای نمونه، شاه‌شجاع در اواسط سده‌ی ۸ق، به بازسازی برج و باروی شهر سیرجان اقدام کرد (وزیری، ۱۳۸۶، ۴۷). در پی این بازسازی‌ها، باروی سیرجان آن‌چنان مستحکم و استوار شده بود که در منابع این دوره به‌عنوان «امهات قلعه

۱. بر زمین‌های بایر آن، آب جاری کردیم؛ آباد کردیم.

ایران» معرفی شده است (کتبی، ۱۳۶۴، ۴۹). تا جایی که به دلیل حصانت و رفعت باروی سیرجان، امیر شیخ ابواسحاق در جریان حمله به سیرجان نتوانست متعرض آن شود و رو به کرمان نهاد (همان، ۵۰).

با این همه مظفریان در نه سال پایانی حکومت، مشروعیت ابتدایی خویش را به دلیل جنگ‌های مداوم میان اعضاء خاندان از دست دادند (خسرویگی و صادقی‌فرد، ۱۳۹۷، ۴۴). در چنین فضایی، حملات تیمور نیز آغاز شد و توسعه‌ی سیرجان پس از حدود سه قرن متوقف شد. امیر تیمور در سال ۷۹۵ق به سیرجان حمله کرد و پس از دو سال محاصره، شهر را فتح کرد (یزدی، ۱۳۳۶، ۵۵۹). پس از آن، بسیاری از ساکنان قلعه‌سنگ به «همید» یا بمید [در شمال سیرجان امروزی] نقل مکان کردند (حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ۱۹۳/۳). اما به نظر می‌رسد ترک قلعه‌سنگ به یکباره اتفاق نیفتاده است. چنان‌که به گفته‌ی حافظ ابرو، سیرجان در زمان او (۸۱۷ تا ۸۳۳ق) بزرگ‌ترین شهر ایالت کرمان بعد از بردسیر بوده (همان، ۱۵) و قلعه‌ای مستحکم اندرون شهر و بر فراز سنگی بلند داشته است (همان، ۱۶). همچنین در واقعه‌ی حمله‌ی امیرزاده اسکندر به سیرجان در سال ۸۱۴ق، ساکنان سیرجان به «قلعه‌کوه»<sup>۱</sup> پناه بردند (حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ۳۴۲/۲؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ۱۵۳). محاصره‌ی قلعه‌ی سیرجان و رخداد‌های مرتبط با آن در سال‌های ۸۱۵، ۸۵۸ و ۸۸۴ق نیز در منابع ثبت شده است (روملو، ۱۳۸۴، ۱۹۶/۱؛ همو، ۸۲۹/۲). همچنین، در *عالم‌آرای امینی* به حصانت، عظمت و دشواری فتح قلعه‌ی سیرجان در نیمه‌ی دوم قرن ۹ اشاره شده است (فضل‌الله بن روزبهان، ۱۳۸۲، ۱۷۷). اما در نهایت امرای سلطان حسین بایقرا (وفات: ۹۱۱ق) قلعه را فتح و آن را «مَقْمُوعِ الاثر و مَقْلُوعِ السَّقُوفِ و الجُدُر»<sup>۲</sup> کردند (همان، ۱۷۸). بنابراین، به نظر می‌رسد با وجود حملات تیمور و نقل مکان بسیاری از ساکنان قلعه‌سنگ به همید، سکونت در سده ۹ق در قلعه‌سنگ تداوم داشته و باروهای آن بازسازی شده و استحکام کافی داشته‌اند. اما در اواخر سده‌ی ۹ق توسط نیروهای سلطان حسین بایقرا تخریب و متروک شده است. پیشتر اشاره شد که تاریخ‌گذاری اغلب قطعات

۱. در دشت سیرجان، تنها قلعه‌ای که روی کوه یا صخره‌ی مرتفع ساخته شده، قلعه‌سنگ است.

۲. سقف‌ها و دیوارها را ویران کردند.

سفال نیز بازه‌ی زمانی سده‌ی ۵ تا ۹ ق را نشان می‌دهد.

#### ۷. نتیجه‌گیری

تحولات سیرجان در سده‌های میانی اسلامی متأثر از عوامل طبیعی و اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود. از نظر جغرافیایی، دو اصل اکولوژیکی «تنوع و تعادل» شکل‌گیری و گسترش شهر را در سده‌های میانی در پی داشت. سیرجان دارای دو چشم‌انداز کوهستان و دشت، تنوع اقلیمی و تنوع مواد و منابع بود. تولید و صادرات محصولات کشاورزی، باغی و دامی و بهره‌برداری از معادن مس، روی و آهن در رشد سیرجان نقش داشت. همچنین، سیرجان از نظر عملکردی و فضایی یک «شهر میانی» بود. شهرهای میانی در تعادل میان نواحی جغرافیایی نقش داشته‌اند.

احتمالاً یکی از دلایل انتقال شهر از قلعه‌کافر به قلعه‌سنگ در سده‌ی ۶ ق مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در صخره‌ی مرتفع مرکز محوطه و وجود شرایط مطلوب برای شکل‌گیری استحکامات و تفکیک فضایی حاکم‌نشین و شارستان بود. در حالی که شهر صدر اسلامی سیرجان در قلعه‌کافر، از چنین ویژگی‌ای محروم بود و در چشم‌اندازی مسطح قرار داشت. تأثیر متغیرهای اقتصادی بر توسعه‌ی سیرجان در سده‌های میانی نیز ناشی از سه عامل «مکان»، «امنیت» و «راهبردهای اقتصادی حاکمان» بود. سیرجان در تقاطع دو شاهراه مهم ایران قرار داشت و ناامنی شاهراه هرمز - جیرفت - کرمان از سده‌ی ۶ ق به بعد، سبب توسعه‌ی بیش از پیش مسیر سیرجان و این شهر شد.

امنیت نیز به‌عنوان یکی از ارکان مشروعیت‌بخش به حکومت‌ها، در توسعه‌ی سیرجان نقش مهمی داشت. امنیت ولایات کرمان بیش از هر زمانی، در دوره‌ی قراختائیان و آل‌مظفر رقم خورد و شرایط برای رشد اقتصادی و تجاری در این ایالت هموارتر از قبل شد. افزون بر این، راهبردها و اهداف اقتصادی حاکمان در توسعه‌ی سیرجان در سده‌های میانی اسلامی بی‌تأثیر نبود. به‌گواهی منابع تاریخی، علت‌گرایش حکام قراختائی به تصرف سیرجان، وجود ذخایر و نفایس، انواع کالاها و منافع در سیرجان بود.

از نظر عوامل اجتماعی و سیاسی به نظر می‌رسد ترک قلعه‌کافر در سده‌ی ۶ ق در پی

حمله‌ی غزها رخ داد و جابه‌جایی و توسعه‌ی شهر در قلعه‌سنگ به دلیل تسلط ملوک شبانکاره بر سیرجان بود. آنها قلعه‌سنگ را بازسازی و باغات و زمین‌ها را آباد کردند. تسلط ترکان خاتون قراختایی بر سیرجان و ساخت عمارات بسیار در قلعه‌سنگ و افزایش ثروت این شهر، به توسعه‌ی آن سرعت بخشید. راهبردهای حکام آل مظفر نسبت به تمدن، هنر و معماری نیز از دیگر دلایل رشد سیرجان بود و بازسازی قلعه‌سنگ به دستور شاه‌شجاع تحت تأثیر همین راهبردها صورت گرفت. اما به دلیل اختلافات میان اعضای خاندان مظفری در نه سال پایانی حکومت آنها و آغاز حملات تیمور، توسعه‌ی قلعه‌سنگ متوقف شد و اغلب ساکنان به تدریج به همید یا بمید کوچ کردند. در اواخر سده‌ی ۹ق، قلعه‌سنگ توسط نیروهای سلطان حسین بایقرا ویران و به‌طور کامل متروک شد.

### منابع و مآخذ

- ابن حوقل، (۱۹۳۸)، *صورة الارض*، ج ۲، بیروت: دار صادر.
- ادریسی، محمد بن محمد، (۱۴۰۹)، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، ج ۱، بیروت: عالم الکتب.
- اصطخری، (۱۳۴۰)، *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد، (۱۳۲۶)، *تاریخ افضل (بدائع الزمان فی وقایع کرمان)*، ترجمه‌ی مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- افضل‌ی، زینب، (۱۳۹۷)، «گزارش بررسی تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی و راه‌های ارتباطی آن»، *گزارش‌های هفدهمین گردهمایی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران*، صص ۱۲۶-۱۳۳.
- امیرحاجلو، سعید؛ صدیقیان، حسین، (۱۳۹۹)، «مطالعه‌ی باستان‌شناختی سفال‌های دوران اسلامی محوطه‌ی قلعه‌سنگ؛ شهر قدیم سیرجان»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش ۲۵، صص ۱۵۵-۱۸۰.
- امیرحاجلو، سعید، (۱۳۹۴)، *گزارش کاوش پیگردی و خواناسازی شواهد معماری قلعه‌سنگ شهر قدیم سیرجان*، بایگانی اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان کرمان (منتشر نشده).
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۳)، «تبیین نقش متغیرهای بوم‌شناسی در حیات شهر اسلامی جیرفت»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش ۷، صص ۱۷۵-۱۹۴.
- ایدر، نبی‌الله؛ حکیمی‌نیا، بهزاد، (۱۳۹۸)، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر روند توسعه‌ی پایدار شهری در شهر اهواز»، *مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران*، ش ۴۳، صص ۸۹-۱۰۵.
- پوپ، آرتور؛ اکرم‌ن، فیلیپ، (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ترجمه‌ی نجف دریابندری و دیگران، ج ۴ و ۹، تهران: علمی و فرهنگی.
- *تاریخ شاهی قراختاییان*، (۲۵۳۵)، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ترکمنی آذر، پروین، (۱۳۸۹)، «نقش هوشمندی و تدبیر سیاسی حکومتگران در ایجاد امنیت و توسعه‌ی جامعه (مطالعه‌ی موردی حکومت ترکان خاتون قراختایی در کرمان)»، *جستارهای تاریخی*، ش ۱، صص ۱-۲۰.
- جمعه‌پور، محمود، (۱۳۹۲)، «تحلیل سطح توسعه‌ی منطقه‌ای و عدم تعادل نواحی در استان تهران با تأکید بر نقش شهرهای کوچک و میانی»، *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*، ش ۶۱،

صص ۱۱۱-۱۴۳.

- چمنکار، محمدجعفر؛ صدیقی، مینا، (۱۳۹۱)، «تأثیر روابط متقابل مغولان (ایلخانان) با قراختائیان کرمان در توسعه اقتصادی هرمز (مطالعه‌ی موردی ۷۰۳-۶۴۷ ق)»، *مطالعات تاریخ ایران اسلامی*، ش ۲، صص ۱۸-۳۶.
- چوبک، حمیده، (۱۳۹۱)، «سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت»، *مطالعات باستان‌شناسی*، ش ۵، صص ۸۳-۱۱۲.
- حاتمی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، *سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی*، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۴)، «بررسی تحلیلی باستان‌شناسی سیرجان قدیم از اوایل اسلام تا دوره‌ی تیموری»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۳)، *گزارش ادامه‌ی بررسی و گمانه‌زنی شهر قدیم سیرجان (تعیین عرصه و پیشنهاد حریم آن)*، بایگانی سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲)، *بررسی گمانه‌زنی و تعیین حریم سیرجان قدیم*، بایگانی سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، (۱۳۷۸)، *جغرافیای حافظ ابرو*، تصحیح علی آل‌داوود و محمدصادق سجادی، ج ۲ و ۳، تهران: میراث مکتوب.
- *حدود العالم*، (۱۴۲۳)، به تحقیق یوسف هادی، قاهره: الدار الثقافیة للنشر.
- حموی، یاقوت، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج ۳، بیروت: دار صادر.
- خدادوست، جواد و دیگران، (۱۳۹۶)، «بررسی و مطالعه‌ی تحلیلی سفالینه‌های محوطه‌ی مالین؛ شهرستان باخرز (خراسان رضوی)»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش ۱۳، صص ۱۵۷-۱۷۲.
- خسروبیگی، هوشنگ؛ صادقی‌فرد، مزگان، (۱۳۹۷)، «بررسی بنیان‌های مشروعیت حکومت آل مظفر (۷۹۵-۷۱۳ ق)»، *فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۳۹، صص ۲۷-۵۰.
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۸۸)، «بررسی معادن و محوطه‌های ذوب فلز در شهرستان بردسیر»، *مطالعات باستان‌شناسی*، ش ۲، صص ۲۳-۳۸.
- روملو، حسن، (۱۳۸۴)، *احسن التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۱ و ۲، تهران: اساطیر.

رشد و افول شهر سیرجان در سده‌های میانی اسلامی برپایه‌ی شواهد تاریخی و ... | ۲۳

- زاوش، محمد، (۱۳۴۸)، *کانی‌شناسی در ایران قدیم*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سرآبادانی تفرشی، اکرم، (۱۳۸۹)، «نظری بر دستاوردهای فرهنگی و تمدنی آل مظفر»، نامه تاریخ پژوهان، ش ۲۲، صص ۱۰۷-۶۹.
- سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق، (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، گردآوری عبدالحسین نوایی، تصحیح محمد شفیع، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، گردآوری عبدالحسین نوایی، تصحیح محمد شفیع، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد، (۱۳۶۳)، *مجمع الانساب*، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- *صور الاقالیم*، (۱۳۵۳)، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عباسی، جواد؛ امیری، لیلا، (۱۳۹۰)، «تجارت کرمان از سده‌ی ششم تا هشتم ه.ق با تأکید بر جایگاه جیرفت»، *مطالعات ایرانی*، ش ۱۹، صص ۳۰۱-۳۲۰.
- علیدادی سلیمانی، نادر، (۱۳۸۱)، *گزارش تعیین عرصه و حریم قلعه سنگ سیرجان*، بایگانی اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان کرمان (منتشر نشده).
- فاضل‌نیا، غریب و دیگران، (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر عوامل طبیعی مؤثر در پراکنش و استقرار سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان سیرجان»، *فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ش ۱۶، صص ۱۰۹-۱۲۴.
- فضل‌الله بن روزبهان، (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، تصحیح محمداکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۱)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه‌ی محمدمراد بن عبدالرحمان، تصحیح سیدمحمد شاهمرادی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- کتبی، محمود، (۱۳۶۴)، *تاریخ آل مظفر*، به اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- گیبوز، ریچارد، (۱۳۹۵)، *سفرنامه‌ی ریچارد گیبوز*، ترجمه‌ی امید شریفی، تهران: ایران‌شناسی.
- لسترینج، گای، (۱۳۸۳)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه‌ی محمود عرفان، ج ۶، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۸۱)، *نزهة القلوب*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.

- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۳۸۵)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه‌ی علینقی منزوی، ج ۲، تهران: کومش.
- منشی کرمانی، ناصرالدین، (۱۳۲۸)، *سمط العلی للحضرة العلیا*، زیر نظر محمد قزوینی، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
- موسوی، محمود، (۱۳۷۶)، «کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر حریره کیش»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۲۰۵-۲۳۸.
- نطنزی، معین‌الدین، (۱۳۸۳)، *منتخب التواریخ معینی*، تصحیح پروین استخری، تهران: اساطیر.
- نعمتی، محمدرضا و دیگران، (۱۳۹۱)، «بررسی سفال‌های اسلامی محوطه‌ی ذلف‌آباد فراهان، استان مرکزی (فصل اول کاوش)»، *باستان‌شناسی ایران*، ش ۳، صص ۱۲۵-۱۳۸.
- وات، کنت، (۱۳۹۳)، *مبانی محیط زیست*. ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب‌زاده، ج ۱۴، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- واتسون، الیور، (۱۳۸۲)، *سفال زرین‌فام ایرانی*، ترجمه‌ی شکوه ذاکری، تهران: سروش.
- ورجاوند، پرویز، (۱۳۵۱)، «قلعه‌سنگ سیرجان و آتشدان سنگی آن»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۴۰، صص ۱۰۱-۱۳۲.
- وزیری، احمدعلیخان، (۱۳۸۶)، *جغرافیای بلوچستان*، تحقیق محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- یزدی، شرف‌الدین علی، (۱۳۳۶)، *ظفرنامه*، تصحیح محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- Allan, J.; Roberts, C., (1987), *Syria & Iran: Three studies in medieval ceramics*, Oxford Studies in Islamic Art, University of Oxford Press.
- Amirhajloo, S.; Sedighian, H., (2020), "Recent Archaeological Research in South Iran: Excavation at the Old City of Sirjan (The Site of Qal'eh Sang)", *IRAN, Journal of the British Institute of Persian Studies*, DOI: 10.1080/05786967.2020.1846998.
- Bahrami, M., (1988), *Gurgan Faiences*, Mazda publisher.
- Barnes, L. et al, (2010), *Chinese Ceramics: From the Paleolithic Period through the Qing Dynasty*, Yale University press.
- Bivar, H., (2000), *Excavations at Ghubayra Iran*, London: School of Oriental & African studies University of London.
- Clarke, D., (1977), "Spatial Information in Archaeology", in D. L. Clarke ed.: *Spatial Archaeology*, New Yourk: Academic Press, pp. 1-28.
- Kennet, D., (2004), *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah (eBook version)*, Oxford, Archaeopress.
- Kiani, M. Y., (1984), "The Islamic city of Gurgan", *AMI*, Bond11.
- Mason, R., (2004), *Shine like the Sun: Lustre Painted & Associated Pottery from the Medieval Middle East*, Mazda publisher.

- Morgan, P.; Leatherby, J., (1987), "Excavated Ceramics from Sirjan", in J. Allan and C. Roberts ed.: *Syria and Iran, Tree Studies in Medieval Ceramics*, Oxford Studies in Islamic Art IV, University of Oxford, pp 23-172.
- Morgan, P., (1991), "New Thoughts on old Hormuz", *Iran*, Vol XXIX, pp 67-74.
- Pike, A.; Rodriguez-Pose, A.; Tomaney, J., (2017), *Handbook of Local and Regional Development*, London and New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Pleiner, R., (1967), "Preliminary Evaluation of the 1966 Metallurgical Investigations in Iran", in J. R. Caldwell ed.: *Investigation at tal-i-Iblis*, Illinois statae Museum society.
- Polese, M., (1999), "From Regional Development to Local Development: on the Life, Death and Rebirth of Regional Science as a Policy Relevant Science", *Canadian Journal of Regional Science*, vol. 22. Issue 3: pp. 299-314.
- Priestman, S. M. N., (2013). "A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean", *PhD Thesis*, University of Southampton.
- Rapp, G., J.; Hill, L. C., (1998), *Geoarchaeology; the Earth Science Approach to Archaeological Interpretation*, New Haven and London: Yale University Press.
- Sykes, P. M., (1902), "Historical Notes on South-East Persia", *Journal of the Royal Asiatic Society*, pp. 939-950.
- Treptow, T., (2007), *Daily Life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy*, Chicago, the oriental institute museum of the University of Chicago.
- Watson, O., (2004), *Ceramics from Islamic Lands*, Thames & Hudson press.
- Wertime, T. A., (1967). "A Metallurgical Expedition through the Persian Desert", in J. R. Caldwell, ed.: *Investigation at tal-i-Iblis*, Illinois statae Museum Society.
- Wilkinson, C. K., (1973), *Nishapur Pottery of the Early Islamic Period*, the Metropolitan museum of art.

**Sources Transliteration****Sources in Persian**

- ‘Abbāsī, Jāvād; Amīrī, Leylā (1390 Š.), “Tejārat-e Kermān az Sade-ye Šešom tā Haštom bā Takīd bar Jāyghāh-e Jīroft”, *Moṭāli‘āt-e Īrānī*, No. 19, pp. 301-320. [In Persian]
- ‘Alīdādī Solaymānī, Nader (1381 Š.), *Gozāreš-e Ta‘ūn-e ‘Arša wa Ḥarīm-e Qal‘eh Sang-e Sīrjān, Bāygānī-e Edāreh-ye Koll-e Mīrāt-e Farhangī-e Ostān-e Kerman* (unpublished). [In Persian]
- Afzal al-Dīn Kermānī, Aḥmad b. Ḥāmed (1326 Š.), *Tārīk-e Afzal (Badā‘e al-Zamān fi Vaqāye‘ Kerman*, translated by Mahdī Bayānī, Tehran: Dānišgāh-e Tehrān. [In Persian]
- Afzalī, Zeynab (1397 Š.), “Gozāreš-e Barrasī-e Tawolāt-e Šahr-e Sīrjān dar Dawrān-e Eslāmī wa Rāhhā-ye Ertebātī-e Ān”, *Gozārešhā-ye Hefdahomīn Gerdehamāī-e Sālāna-ye Bāstānšīnāsī-e Īrān*, pp. 126-133. [In Persian]
- Amīr Ḥājlu, Sa‘īd (1394 Š.), *Gozārešhā-ye Kāwoš-e Peygardī wa Kānāsāzī-e Šawāhid-e Me‘mārī-e Ql‘e sanq-e Šahr-e Qadīm-e Sīrjān*, Bāygānī-e Edāre-ye Kol-e Mīrāt-e Farhangī-e Ostān-e Kermān (unpublished). [In Persian]
- ----- (1393 Š.), “Tabīn-e Naqš-e Moteğayerhā-ye Būmšīnāsī dar Hayāt-e Šahr-e Eslāmī-e Jīroft”, *Pežūhešhā-ye Bāstānšīnāsī-e Īrān*, No. 7, pp. 175-194. [In Persian]
- Amīr Ḥājlu, Sa‘īd; Šedīqān, Ḥosayn (1399), “Moṭāle‘āt-e Bāstānšīnaktī-e Sofālīhā-ye Dawrān-e Eslāmī-e Moḥawate-ye Ql‘e Sanq; Šahr-e Qadīm-e Sīrjān”, *Pežūhišhā-ye Bāstānšīnāsī-e Īrān*, No. 25, pp. 155-180. [In Persian]
- Čamankār, Moḥammad Jāfar; Šedīqī, Mīna (1391 Š.), “Taṭīr-e Rawabeṭ-e Motiqābel-e Moğolān (Īlkānān) bā Qarākatāī-e Kerman dar Tawsa‘a-ye Eqtesādī-e Hormuz (Moṭāli‘a-ye Moredī 647-703 AH.)”, *Moṭāliāt-e Tārīk-e Ūrān-e Eslāmī*, No. 2, pp. 18-36. [In Persian]
- Čūbak, Ḥamīdeh (1391 Š.), “Sofālīnehā-ye Dawrān-e Eslāmī-e Šahr-e Kohan-e Jīroft”, *Moṭāli‘āt-e Bāstānšīnāsī*, No. 5, pp. 83-112. [In Persian]
- Ebn Ḥawqal (1938), *Šūrat al-‘Arz*, Vol. 2, Beirut: Dār Šādir.
- Edrīsī, Moḥammad b. Moḥammad (1409), *Nozhat al-Moštāq fi Ektirāq al-Āfāq*, Vol. 1, Beirut: ‘Ālam al-Kotob.
- Eīdar, Nabīullah; Ḥakīmīnā, Behzād (1398 Š.), “Barrasī-e ‘awāmel-e Ejtīmā‘ī wā Farhangī-e Moaṭīr bar rawand-e Tawsi‘-ye Pāydār-e Šahrī dar Šahr-e Ahwāz”, *Moṭāli‘āt-e Tawsa‘e Ejtīmā‘ī-e Īrān*, No. 43, pp. 89-105. [In Persian]
- Eštākī (1340 Š.), *Masālik va Mamālik*, edited by Īraj Afšār, Tehran: Bongāh-e Tarjoma va Našr-e Ketāb. [In Persian]
- Fāzelnīā, Ġarīb (et. al.) (1393 Š.), “Taḥlīlī bar ‘Awāmel-e Ṭabī‘ī-e Moaṭer dar {arākaneš wa Esteqrār-e Sokūnatgāhhā-ye Rūstāī dar Šahristāne- Sīrjān, *Fašlnāma-ye Barnāmarīzī-e Manṭaqehū*, No. 16, pp. 109-124. [In Persian]
- Fażlullāh b. Rūzbehān (1382 Š.), *Tārīk-e ‘Ālamārā-ye Amīnī*, edited by Moḥammad Akbar ‘Ašīq, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
- Gibons, Richard (1395 Š.), *Safarnāmeḥ-ye RīCārd Ġibonz*, translated by Omīd Šarīft, Tehran: Īrānšenāsī. [In Persian]
- Ḥātāmī, Abulqāsem (1380 Š.), *Sīrjān-e Qadīm Markaz-e Šan‘at wa Honar-e Eslāmī*, Kerman: Markaz-e Kermnašīnāsī. [In Persian]
- ----- (1374 Š.), “Barrasī-e Taḥlīlī-e Bāstānšīnāsī-e Sīrjān-e Qadīm az Awāyel-e Eslām tā Dawra-ye Taymūrī”, MA Thesis in Archeology, *Dānišgāh-e Tarbiat Modarres*, (unpublished). [In Persian]
- ----- (1373 Š.), *Gozāreš-e Edāma-ye Barrasī wa Gamānehanī-e Šahr-e Qadīm-e Sīrjān (Ta‘ūn-e ‘Arša wa Pīšnahād-e Ḥrīm-e Ān)*, Bāygānī-e Sāzmān-e

- Mīrāt-e Farhangī, (unpublished). [In Persian]
- Ḥāfiṭ Abrū, ‘Obaydullāh b. Loṭfullāh (1378 Š.), *Ĵōgrāfiya-ye Ḥāfiṭ Abrū*, edited by ‘Alī Āl-e Dāwūd, Moḥammad Šādeq Sajādī, Vols. 2-3, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
  - Hemawī, Yāqūt (1995), *Mo‘jam al-Boldān*, Vol. 3, Beirut: Dār Šādir.
  - Ḥodūd al-‘Ālam (1432), edited by Yūsef Hādī, Cairo: Al-Dār al-Ṭaqāfiya lil Našr.
  - Ĵom‘apūr, Maḥmūd (1392 Š.), “Ṭahlīl-e Saṭḥ-e Tawsa‘e-ye Maṭaqe‘i wa ‘Adam-e Ta‘ādol-e Nawāhī dar Osltān-e Tehran bā Takīd bar Naqš-e Āhrhā-ye Kūčak wa Mīānī”, *Fašlnāma-ye ‘Olūm-e Ejtīmā‘ī*, No. 61, pp. 111-143. [In Persian]
  - Tārīk-e Šāhī-e Qarājātān (1355 Š.), edied by Moḥammad Ebrāhīm Bāstānī Pārzi, Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [In Persian]
  - Torkamanī Āzar, Parvīn (1389 Š.), “Naqš-e Hūšmandī wa Tadbīr-e Sīāsī-e Ĵokūmatgarān dar Ĵjād-e Amnīyat wa Tawse‘a-ye Ĵāmi‘a (Moṭāli āt-e Mawredī Ḥokūmat-e Torkān ĵātūn-e Qarājātān dar Kermān)”, *Ĵostārḥā-ye Tārīk*, No. 1, pp. 1-20. [In Persian]
  - ḳodādūst, Ĵavad (et. al), “Barrasī wa Moṭāli‘a-ye Ṭahlīlī-e Sofālīnehā-ye Moḥawāṭa-ye Mālīn, Šahristān-e Baḳarz (ḳorāsān-e Razawī), *Pežūhišnāma-ye Bāstānšīnāsī-e Irān*, No. 13, pp. 157-172. [In Persian]
  - ḳosrobaygī, Hūšang; Šādeqīfard, Možgān (1379 Š.), “Barrsī-e Bonyānhā-ye Mašrū‘īyat-e Ḥokūmat-e Āl-e Mozafar (713-795 AH)”, *Fašlnāma-ye Moṭāli‘āt-e Tārīk-e Eslāmī*, No. 39, pp. 27-50. [In Persian]
  - ḳosrozadeh, ‘Alīrezā (1388 Š.), “Barrsī-e Ma‘āden wa Moḥawāṭahā-ye Zawb-e Felez dar Šahristān-e Bardsīr”, *Moṭāli‘āt-e Bāstānšīnāsī*, No. 2, pp. 23-38. [In Persian]
  - Kotbī, Maḥmūd (1364 Š.), *Tārīk-e Āl-e Mozafar*, edited by ‘Abdulhosayn Navāī, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
  - Maqdasī Abū Moḥammad b. Aḥmad (1385 Š.), *Aḥsan al-Taḳāsīm fi Marīfat al-Aḳālīm*, translated by ‘Alīnagī Monzavī, Tehran: Kūmeš. [In Persian]
  - Monšī Kermānī, Našer al-Dīn (1328 Š.), *Samṭ al’olā lilḥazrat al-‘Olā*, edited by Moḥammad Qazvīnī, ‘Abbās Eqbāl Āštīānī, Tehran: Širkat-e Sahāmī-e Ṭab‘-e Ketāb. [In Persian]
  - Mostawfī, Ḥamdullāh (1381 Š.), *Nozhat al-Qolūb*, edited by Moḥammad DabīrSīāqī, Qazvin: Hadīt-e Emrūz. [In Persian]
  - Mousavī, Maḥmūd (1376 Š.), “Kāvošhā-ye Bāstānšīnāsī dar Šahr-e Ḥarīreh Kīš”, *Gozārešha-ye Bāstānšīnāsī 1*, Tehran: Sāzmān-e Mīrāt-e Farhangī-e Kešvar, pp. 205-238. [In Persian]
  - Naṭanzī, Mo‘īn al-Dīn (1383 Š.), *Montaḳab al-Tavārīk-e Mo‘īnī*, edited by Parvīn Estakrī, Tehran: Asāṭīr. [In Persian]
  - Ne‘matī, Moḥammadrezā (et. al.) (1391 Š.), “Barrasīhā-ye Sofālīhā-ye Eslāmī-e Moḥawāṭa-ye Zolfābād Farāhān, Ostān-e Markazī (Fašl-e Awal-e Kāwoš), *Bāstānšīnāsī-e Irān*, No. 3, pp. 125-138. [In Persian]
  - Sarābādānī Tafrešī, Akram (1389 Š.), “Naẓarī bar Dastāwardhā-ye Farhangī wa Tamadonnī-e Āl-e Mozafar”, *Nāma-ye Tārīkpežūhān*, No. 22, pp. 69-107. [In Persian]
  - Samarḳnadī, ‘Abdulrazāq b. Eshāq (1383 Š.), Maṭl‘a Sa‘dayn wa Maḵl’ Baḳrayn, gathered by ‘Abdulhosayn Navāī, edited by Moḥammad Šafī‘, Vol. 1, Tehran: Pežūhišgāh-e ‘Olūm-e Ensāni wa Moṭāli‘āt-e Farhangī. [In Persian]
  - ----- (1372 Š.), *Maṭl‘a Sa‘dayn wa Maḵl’ Baḳrayn*, gathered by ‘Abdulhosayn Navāī, edited by Moḥammad Šafī‘, Vol. 1, Tehran: Pežūhišgāh-e ‘Olūm-e Ensāni wa Moṭāli‘āt-e Farhangī. [In Persian]
  - Rūmlū, Ḥasan (1384 Š.), *Aḥsan al-Tavārīk*, edited by ‘Abdulhosayn Navāī, Vols.

- 1-2, Tehran: Asāṭīr. [In Persian]
- Zāwoš, Moḥammad (1348 Š.), *Kānīšināsī dar Īrān-e Qadīm*, Tehran: Bonyād-e Farhang-e Īrān. [In Persian]
  - Šabākārehī, Moḥammad b. ‘Alī b. Moḥammad (1363 Š.), *Majma’ al-Ansāb*, edited by Mīr Hāšem Moḥadeṭ, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
  - Šowar al-Aqālīm (1353 Š.), edited by Manūčīhr Sotūdeh, Tehran: Bonyād-e Farhang-e Īrān. [In Persian]
  - Qazvīnī, Zakarīā b. Moḥammad (1371 Š.), *Āṭār al-Bilād wa Akbār al-‘Ebād*, translated by Moḥammad Morād b. ‘Abdulrahmān, edited by Sayed Moḥammad Šāhmīrādī, Vol. 1, Tehran: Dānišgāh-e Tehran. [In Persian]
  - Varjāvand, Parvīz (1351 Š.), “Qal’eh Sang-e Sīrjān wa Ātašdān-e Sangī-e Ān”, *Barrasīhā-ye Tārīkī*, No. 40, pp. 101-132. [In Persian]
  - Vazīrī, Aḥmad ‘Alī k̄ān (1386 Š.), *Joḡrāfiā-ye Balūčestān*, edited by Moḥammadreżā Našīrī, Tehran: Anjoman-e Āṭār wa Mafāker-e Farhangī. [In Persian]
  - Yazdī, Šaraf al-Dīn ‘Alī (1336 Š.), *Ṭafarnāmeḥ*, edited by Moḥammad ‘Abbāsī, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]

#### Sources in English

- Allan, J.; Roberts, C., (1987), *Syria & Iran: Three studies in medieval ceramics*, Oxford Studies in Islamic Art, University of Oxford Press.
- Amirhajloo, S.; Sedighian, H., (2020), “Recent Archaeological Research in South Iran: Excavation at the Old City of Sirjan (The Site of Qal’eh Sang)”, *IRAN, Journal of the British Institute of Persian Studies*, DOI: 10.1080/05786967.2020.1846998.
- Bahrami, M., (1988), *Gorgan Faïences*, Mazda publisher.
- Barnes, L. et al, (2010), *Chinese Ceramics: From the Paleolithic Period through the Qing Dynasty*, Yale University press.
- Bivar, H., (2000), *Excavations at Ghubayra Iran*, London: School of Oriental & African studies University of London.
- Clarke, D., (1977), “Spatial Information in Archaeology”, in D. L. Clarke ed.: *Spatial Archaeology*, New York: Academic Press, pp. 1-28.
- Kennet, D., (2004), *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah (eBook version)*, Oxford, Archaeopress.
- Kiani, M. Y., (1984), “The Islamic city of Gorgan”, *AMI*, Bond 11.
- Le Strange, G. (1905), *The Lands of the Eastern Caliphate: Mesopotamia, Persia and Central Asia; From the Moslem Conquest to the Time of Timur*, Literary Licensing.
- Mason, R., (2004), *Shine like the Sun: Lustre Painted & Associated Pottery from the Medieval Middle East*, Mazda Publisher.
- Morgan, P.; Leatherby, J., (1987), “Excavated Ceramics from Sirjan”, in J. Allan and C. Roberts ed.: *Syria and Iran, Tree Studies in Medieval Ceramics*, Oxford Studies in Islamic Art IV, University of Oxford, pp 23-172.
- Morgan, P., (1991), “New Thoughts on old Hormuz”, *Iran*, Vol XXIX, pp 67-74.
- Pike, A.; Rodriguez-Pose, A.; Tomaney, J., (2017), *Handbook of Local and Regional Development*, London and New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Pleiner, R., (1967), “Preliminary Evaluation of the 1966 Metallurgical Investigations in Iran”, in J. R. Caldwell ed.: *Investigation at tal-i-Iblis*, Illinois

state Museum society.

- Polese, M., (1999), "From Regional Development to Local Development: on the Life, Death and Pope, Arthur Upham; Phyllis Ackerman (1964), *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Time to the Present*, Vol. VI, IX, Asian Institute, Pahlavi University.
- Rebirth of Regional Science as a Policy Relevant Science", *Canadian Journal of Regional Science*, vol. 22. Issue 3: pp. 299-314.
- Priestman, S. M. N., (2013). "A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean", *PhD Thesis*, University of Southampton.
- Rapp, G., J.; Hill, L, C., (1998), *Geoarchaeology; the Earth Science Approach to Archaeological Interpretation*, New Haven and London: Yale University Press.
- Sykes, P. M., (1902), "Historical Notes on South-East Persia", *Journal of the Royal Asiatic Society*, pp. 939-950.
- Treptow, T., (2007), *Daily Life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy*, Chicago, the oriental institute museum of the University of Chicago.
- Watson, O., (2004), *Ceramics from Islamic Lands*, Thames & Hudson press.
- Watt, Kenneth E. F. (1973), *Principles of Environmental Science*, McGraw-Hill.
- Wertime, T. A., (1967). "A Metallurgical Expedition through the Persian Desert", in J. R. Caldwell, ed.: *Investigation at tal-i-Iblis*, Illinois State Museum Society.
- Wilkinson, C. K., (1973), *Nishapur Pottery of the Early Islamic Period*, the Metropolitan museum of art.